

Semantic Analysis of “Al-Qawl” in the Qur’an and the Role of Desirable Sayings in Social Communication

Nader Karimi Beiranvand¹, Shir Mohammad Alipour Abdali², Yadollah Maleki³

1. Ph.D Student, Department of Sciences, Quran and Hadith, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran,

Hosin_zhra2@iran.ir

2. Assistant Professor, Department of Education, Lorestan University, Khorramabad, Iran (Corresponding Author),

alipour.sh@lu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Sciences, Quran and Hadith, Khorramabad Branch, Islamic Azad University,

Khorramabad, Iran, maleki@khoiau.ac.ir

Research Article



Abstract

One of the challenging issues in examining social issues in society is the type of conversation people have in different situations. This research aims to examine the frequent word “Al-Qawl” (Speech) in the Holy Qur’an as a solution to achieve the right methods of communication and conversation. The statistical population of the research – which was conducted with a descriptive-analytical method and a semantic approach – is the Holy Qur’an. Using the analysis of syntagmatic and paradigmatic relationships, we sought to find appropriate methods of linguistic communication with different people in society to have a greater impact. The research findings show that Al-Qawl in the Qur’an has a wide semantic range that includes not only speech but also any type of expression of intention, including action, notion, indication and belief. Also, the Qur’an, by presenting different types of Al-Qawl such as Ma’rouf (just word), Layyin (gentle word), Baligh (eloquent word), Karim (noble word), Sadid (true word) and Maysour (simple word) provides a comprehensive framework for human communication that is adjusted based on different social situations. The results of this study show that knowledge of addressee in the verses of the Qur’an plays a vital role in effective communication. The Qur’an specifically recommends a type of speech for each communicative situation, for example, when dealing with rebellious people, the use of soft and gentle speech is more effective. In situations such as social and family relationships, Ma’rouf (respectful) speech is recommended, and in situations where respect for others is needed, the Qur’an emphasizes the use of the noble speech. These diverse speech patterns mentioned in the Qur’an show that this divine book pays special attention to the personality and social characteristics of its addressees, and accordingly, provides specific instructions for speech and behavior for each situation. Ultimately, the use of these different speech methods can help solve communication challenges in society, especially in negotiations.

KEYWORDS: Semantics, Behavior, Social Communication, Al-Qawl/Speech, Social Interactions

Received: 2024-08-11 | Received in revised form: 2024-12-18 | Accepted: 2025-03-06 | Published online: 2024-12-21

◆ How to cite: Karimi Beiranvand, Nader, Alipour Abdali, Shir Mohammad, Maleki, Yadollah(1403SH): Semantic Analysis of “Al-Qawl” in the Qur’an and the Role of Desirable Sayings in Social Communication, *quran and social sciences*, 4(16), p40-71, 10.22034/arq.2024.216760

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



arq.quran.ac.ir

تحلیل معنا شناختی «قول» در قرآن و نقش اقوال مطلوب در ارتباطات اجتماعی

نادر کریمی بیرانوند^۱، شیرمحمد علی پور عبدلی^۲، یداله ملکی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم و قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران، Hosin_zhra2@iran.ir

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)، alipour.sh@lu.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران، maleki@khoiau.ac.ir

پژوهشی



چکیده

در بررسی مسائل اجتماعی جامعه، نوع گفتگوی افراد در موقعیت‌های مختلف یک موضوع چالش‌برانگیز است. این پژوهش با هدف بررسی واژه پرتکرار «قول» در قرآن کریم به عنوان راهکاری برای دستیابی به روش‌های درست مذاکره و گفتگو انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، قرآن کریم بوده و با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد معناشناسی انجام شده است. با استفاده از تحلیل روابط هم‌نشینی و جانشینی به دنبال یافتن روش‌های مناسب ارتباط زبانی با افراد مختلف جامعه برای تأثیرگذاری بیشتر بوده‌ایم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قول در قرآن دارای گستره معنایی وسیعی است که نه تنها گفتار بلکه هر نوع ابراز مقصود، اعم از فعل، ظن، اشاره و عقیده را در برمی‌گیرد. همچنین، قرآن با ارائه انواع مختلف قول (معروف، لَین، بلیغ، کریم، سدید، میسور) یک چارچوب جامع برای ارتباطات انسانی ارائه می‌دهد که بر اساس موقعیت‌های مختلف اجتماعی تنظیم شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مخاطب‌شناسی در آیات قرآن نقش حیاتی در برقراری ارتباط مؤثر دارد. قرآن به‌طور خاص برای هر موقعیت ارتباطی نوعی گفتار را توصیه می‌کند مثلاً در مواجهه با افراد سرکش، استفاده از قول لَین (نرم و ملایم) تأثیر بیشتری دارد. در موقعیت‌هایی مانند روابط اجتماعی و خانوادگی، قول معروف (احترام‌آمیز) پیشنهاد می‌شود و در مواقعی که نیاز به احترام به دیگران است، قرآن به استفاده از قول کریم تأکید می‌کند. این الگوهای متنوع گفتاری که در قرآن آمده است، نشان می‌دهند که قرآن توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی مخاطب دارد و بر اساس آن برای هر موقعیت دستوراتی خاص برای گفتار و رفتار ارائه می‌دهد. درنهایت، استفاده از این روش‌های مختلف گفتاری می‌تواند به حل چالش‌های ارتباطی در جامعه، به‌ویژه در مذاکرات، کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی، رفتار، ارتباطات اجتماعی، قول، تعاملات اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

♦ استناد به این مقاله: کریمی بیرانوند، نادر؛ علی پور عبدلی، شیرمحمد؛ ملکی، یداله (۱۴۰۳): ((تحلیل معنا شناختی «قول» در قرآن و نقش اقوال مطلوب در ارتباطات اجتماعی))، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴(۱۶)، ۷۱-۴۰، 10.22034/arq.2024.216760



۱. بیان مسئله

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت بشر، منبعی جامع و کامل برای راهنمایی انسان در تمام ابعاد زندگی است. این جامعیت و کمال قرآن در آیه ۸۹ سوره نحل به زیبایی بیان شده است. خداوند متعال در سوره نحل می فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹)؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

«نگاه تربیتی به قرآن به مثابه رویکردی جدید برای کاربردی کردن آموزه های قرآنی و تخصصی کردن فهم قرآن و استخراج مفاهیم تربیتی از قرآن است. تفسیر تربیتی مراجعه به قرآن کریم برای کشف دیدگاه قرآن در موضوعات مصرح و غیر مصرح تربیتی است» (اعرافی، ۱۳۹۷: ۴۰). یکی از مباحث مهمی که امروزه در جهان به آن توجه می شود، بحث از ناهنجاری های ارتباطی به خصوص ناهنجاری های گفتاری در جامعه است که مقدمه ای برای ناهنجاری های غیرقابل جبران بعدی بخصوص در نوجوانان و جوانان است. در این جستار موضوع شیوه های سخن گفتن با افراد مختلف از نظر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است بدین معنی که در موقعیت های مختلف با چه شیوه هایی بایست با افراد گفتگو کرد که تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد و در رابطه با گفتار در قرآن چه موضوعاتی وجود دارد و چگونه می توان از نوع قول های مطرح شده در قرآن برای اثرگذاری بیشتر در ارتباط با افراد جامعه استفاده کرد.

پس از بررسی واژه قول در قرآن درمی یابیم که در قرآن صفات مختلفی برای این واژه مانند قول کریم، سدید، معروف، لئین، حسن و... بیان شده است. این تنوع در صفات «قول» نشان دهنده اهمیت و ظرافت ارتباطات کلامی از دیدگاه قرآن است. علت به کار بردن صفات مختلف برای «قول» در قرآن چیست؟ راهکار قرآنی برای برخورد با افراد در موقعیت های مختلف چیست؟ چرا خداوند در برخورد با افراد لجوج و سرکش به قول لئین سفارش کرده است؟ یا در برخورد با پدر و مادر باید با قول کریم صحبت کرد؟ به راستی چه ویژگی در قول

کریم وجود دارد که بایست با پدر و مادر با این نوع گفتار سخن گفت؟ یا چرا بایست با فقرا به معروف سخن گفت؟ در این پژوهش با بررسی این اقوال در قرآن به روش معناشناختی و با تحلیل صرفی و اشتقاقی کلمه و دریافت معنای اساسی و نسبی آن به عنوان کارآمدترین روش فهم معنا در مطالعات قرآنی به دنبال یافتن پاسخ این سؤالات هستیم. همچنین، این پژوهش به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای بهبود ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی در زمینه گفتار است. در این جستار برخی از صفات مطلوب و مثبت قول مورد بررسی قرار گرفته است و به صفات منفی همچون قول زور، منکر و زخرف پرداخته‌ایم.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با گفتار، سخن، کلام و قول در قرآن، مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است که می‌توان به اهم آن‌ها به صورت ذیل اشاره نمود:

«معناشناسی قول حسن در قرآن کریم» اثر محمدی راد و فرخی نیا (۱۳۹۵) مورد پژوهش قرار گرفته که در آن اقسام قول حسن و آثار فردی و اجتماعی آن مورد دقت و بررسی قرار گرفته شده است و اثر آن در زندگی بیان گردیده است. در این پژوهش به این نکته رسیده که انسان با گفتگو نیکو و حق می‌تواند سعادت خود را در دو جهان به دست آورد و برعکس با سخن نکوهیده و باطل موجب خواری خود و عذابش در آخرت گردد این دلیل انسان را ملزم می‌نماید تا همواره سخنی بگوید که تأثیر مثبت در اندیشه کلام و کردار خود و دیگران داشته باشد. در این پژوهش قول حسن در رابطه با سایر صفات بررسی شده است؛ اما چون هدف در این مقاله فقط قول حسن بوده جنبه‌های مختلف سایر صفات مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است.

مینا شمخی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «وجوه معنایی واژه «قول» در قرآن کریم از دیدگاه مفسران فریقین» به بررسی وجوه معنایی واژه «قول» پرداخته‌اند وجوه مختلف قول در قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده است که این واژه اختصاص به انسان و تکلم ندارد بلکه از نظر لغت

شناسان دارای معانی قول نفسی، عقیده، رأی، توجه کامل، حد، دلالت، ظن و حکم و نسبت دادن سخن به شخصی است و از منظر مفسران معانی مختلفی چون سخن معمولی، سخن غیر مأنوس، قول نفسی، اعتقاد، وحی، الهام، اراده، قضا، اجابت تکوینی، حضرت عیسی، بعثت و عذاب را دارد. در این پژوهش به صفات قول و کاربرد آن‌ها در قرآن توجه نشده است.

مرتضی سازچینی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی توصیفی قول سدید در قرآن کریم» به بررسی قول سدید در قرآن پرداخته و به این نتیجه رسیده که قول سدید از دایره تنوع گسترده معنایی از قبیل معروف، حسن، میسور و بلیغ برخوردار بوده و همچنین در معنای مختلفی از جمله محکم و بدون خدشه غیرقابل نفوذ و بدون هیچ شکافی به کار رفته است. نهایتاً به این معنا رسیده که قول سدید قولی است که هم مطابق با واقع باشد و لغو نباشد و هم این که ثمره‌ای مشروع داشته باشد. در این تحقیق با بررسی ارتباط سیاقی و محتوایی سدید و معروف و حسن را مشابه هم در برخورد با افراد سائل و فقیر در نظر گرفته است. این پژوهش نشان داده که «قول سدید» دارای طیف گسترده‌ای از معانی است؛ اما ارتباط آن با سایر انواع قول و نقش آن در ارتباطات اجتماعی به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است.

شاه‌محمدی و مفتاح (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی اصل قرآنی قول حسن از منظر مفسران و تحلیل نقش آن در مدیریت تعارضات اجتماعی» دلایل به‌وجود آمدن تعارضات اجتماعی قبل و حین و بعد از وقوع را با روش تحلیلی توصیفی بررسی کرده و نقش اصل قرآنی «قول حسن» را در مدیریت آن مورد تحلیل قرار داده‌اند. این تحقیق برخورد با قول حسن را مطلق و شامل همه مردم مؤمن و غیر مؤمن دانسته و آن را دربرگیرنده پنج اصل و محور می‌داند: ۱. حسن عقیده و نیت؛ ۲. حسن سخن هم در محتوا و هم در روش؛ ۳. حسن عمل هم در محتوی هم در روش؛ ۴. رد بدی با خوبی؛ و ۵. خشونت و قاطعیت در موارد لازم. هدف این تحقیق استفاده از قول حسن برای رفع تعارضات اجتماعی بوده و فقط قول حسن مدنظر بوده است و سایر اقوال به‌عنوان یک مجموعه

مرتبط باهم موردبررسی قرار نگرفته است

فغانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «جایگاه قول لَین در امر به معروف و نهی از منکر» نحوه برخورد با افرادی که در اجتماع مرتکب گناه و اشتباه می‌شوند را مدنظر قرار داده و جایگاه قول لَین را در افزایش اثر امر به معروف و نهی از منکر و میزان پذیرش مخاطب بررسی کرده و در نتیجه با استفاده از داستان‌های قرآنی و زندگی ائمه اطهار (ع) و پیامبر (ص) و آیات و روایات معصومین (ع) کارآمدی «قول لَین» در مواجهه با این افراد اثبات کرده است. علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده، پژوهشی که به مفهوم‌شناسی «قول» و صفات آن با رویکرد معناشناسی جدید، توجه به عرف و ویژه قرآنی و ارتباط میان کاربردهای آن به‌خصوص کاربرد در تعاملات اجتماعی پرداخته باشد، یافت نشد؛ از این رو امتیاز پژوهش حاضر، بررسی مفهوم قول و صفات مطلوب و پسندیده آن در عرف و ویژه قرآن و توجه به شبکه ارتباطی واژگان قرآنی هست که گمان می‌رود در بیشتر پژوهش‌های پیشین، مورد غفلت واقع شده است و با نگاه کاربردی و رسیدن به روش‌های درست گفتار در تعاملات اجتماعی و برخورد با افراد مختلف به آن پرداخته نشده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و به لحاظ گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و از ابزار فیش‌برداری استفاده شده است. مورد مطالعه این پژوهش کل قرآن کریم است که برای به دست آوردن آیات مرتبط با موضوع از بین کل آیات قرآن، ۱۷۲۲ آیه مربوط به «قول» است؛ و از بین آن‌ها آیات مربوط به صفات قول مانند لَین، کریم، بلیغ، معروف، سدید، میسور، موردبررسی قرار گرفته شده است که به‌صورت وصفی آمده است. در این پژوهش در تبیین و تحلیل «قول» از روش معناشناسی ایزوتسو استفاده شده است. برای تحلیل خود در این شاخه از روابطی همچون هم‌معنایی، سیاق، روابط جانشینی و همنشینی که اصول ساخت درون‌زبانی را مشخص می‌کنند.

در استخراج معنای متن، از روشی استفاده کرده‌ایم که به یک معنی جایگاه یک واژه را در ارتباط با سایر واژه‌ها در نظر گرفته‌ایم. از این روش برای رسیدن به لایه‌های معنایی آیات مرتبط با «قول» استفاده کرده‌ایم. ابتدا مشتقات واژه قول و صفات آن را در آیات مرتبط قرآن بررسی کرده و با استفاده از کتب لغت معتبر در زبان عربی، این واژه را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. با توجه به مقوله‌های هم‌نشینی و جانشینی، به صورت موضوعی تمام آیاتی که صفات قول در آن‌ها وجود داشت را استخراج کرده‌ایم. سپس در آیات مربوطه، با مراجعه به تفاسیر موجود همچون تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تفسیر تسنیم، تفسیر نور، التبیان، مجمع‌البیان و جامع‌البیان، نکات مربوط به آیات مورد نظر را استخراج کرده‌ایم. این اطلاعات جهت پاسخ دادن به سؤال مورد نظر پژوهش که نقش تربیتی «قول» در برخورد با افراد جامعه برای هدایت آن‌ها بوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

نگاه معناشناسی به متن، یکی از راه‌های دستیابی به دقایق معنا و پی بردن به مقصود اصلی گوینده است. معناشناس در این روش با به کار بردن نگاه جزئی در مورد واژگان، یعنی بررسی لغوی واژه و نیز ارتباط هم‌نشینی و جانشینی و سیاق آیات، قادر خواهد بود به لایه‌های معنایی الفاظ دست یابد. البته باید توجه داشت که کلام الهی سرشار از رموز و شگفتی است؛ و دست کوتاه علم بشری هرگز به بلندای مفاهیم و مقاصد آن نخواهد رسید. مورد مطالعه تحقیق، آیات مرتبط با «قول» در قرآن بوده و تفسیر آیات مربوطه از پنج دوره تفسیر از مفسران قرآن یعنی تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تسنیم، مجمع‌البیان و تفسیر نور انتخاب شد.

۴. مفهوم شناسی

رابطه هم‌نشینی: رابطه‌ای است در محور افقی کلام که اجزای آن در کنار هم قرار گرفته و عبارت را به صورت خطی بررسی می‌کند و باعث افزایش معنا می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۳). «هدف اصلی در هم‌نشینی واژگان، به هم پیوستن مفاهیم و تصورات فردی هر واژه است؛ زیرا کلمات در قرآن کریم تنها و

جدای از یکدیگر به کار نرفته است بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و معنای خود را از مجموع ارتباطی به دست می آورند که با یکدیگر دارند؛ در نتیجه در تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی در قرآن کریم هرگز نباید روابط متعددی که هر یک از آن‌ها با دیگر واژگان در کل متن دارند از نظر دور کرد» (ایزوتسو،^۱ ۱۳۹۳: ۶).

رابطه جانشینی: «رابطه جانشینی معنایی از عوامل مؤثر در ایجاد معنا در عبارت، جمله و متن است» (حدادی و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۷۲). «جانشینی معنایی انتخاب یک نشانه به جای نشانه‌های دیگر برحسب تشابه است» (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۶۹) «گاهی ساختار جمله اقتضا دارد که واژه‌ای جایگزین واژه‌ای دیگر شود؛ بنابراین، عناصر جمله با آن واژه غایب، رابطه و نوعی مناسبت دارد. این دسته از واژه‌ها رابطه جانشینی دارند» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۲۱۳ - ۲۱۵). رابطه جانشینی به ارتباط اجزایی گفته می‌شود که لزوماً حضور فیزیکی در یک زنجیره گفتاری ندارد بلکه در زنجیره‌ای حافظه‌ای درک می‌شود و در ورای گفته‌ها و جملات حضور دارند (تجری و رئوفیان، ۱۳۹۹: ۲۱۷-۱۸۷).

معناشناسی واژگانی: «نظام محاوره و مفاهیم بشری بر این اساس استوار گردیده است که گوینده یا نویسنده مقصود خود را با استفاده از کلمه‌ها و عبارت‌های گفتاری و نوشتاری بیان می‌کند؛ از این رو، هر متنی معنای ویژه‌ای دارد که مورد نظر پدیدآورنده آن بوده است.» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۵۸). به عقیده محققان، از جمله مهم‌ترین روابط مفهومی در سطح واژگان عبارت‌اند از: ۱. شمول معنایی؛^۲ هم معنایی؛^۳ چندمعنایی^۴ و ۲. تقابل معنایی. در مواجهه

1. Izutsu.

۲. آنگاه که مفهومی به دلیل فراگیری بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، رابطه شمول معنایی مطرح است (شفیع زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۲۵).

۳. میان واحدهایی است که اگر جانشین یکدیگر شوند، شم زبانی سخنگوی زبان، تغییری در معنای زنجیره کلام در نیابد، هم معنایی رابطه‌ای نسبی است که کمترین تشابه در کاربرد معنایی دو کلمه، نوعی هم معنایی ناقص بین آن‌ها به وجود می‌آورد.

۴. شرایطی است که یک واحد زبانی از چند معنا برخوردار شود.

با کلمات قرآن کریم، این روابط معنایی به دو دسته رابطه نحوی - معنایی یا مکملی و رابطه معنایی - معنایی که دوبه دو با یکدیگر همنشین شده‌اند، تقسیم شده که خود رابطه معنایی - معنایی نیز به سه نوع تقابلی، اشتدادی و توزیعی، قابل تقسیم است؛ بنابراین «روابط بین واژگان قرآنی شامل بر چهار نوع مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی خواهد بود» (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۲).

با اعتقاد به این که اصل در قرآن، عدم مترادف واژگان است؛ در این روش محقق با نگاه جزئی به واژگان یعنی معنای لغوی واژه و دقت در آیات مشابه و واژگان همنشین و جانشین آن قادر خواهد بود به لایه‌های معنایی الفاظ و معنای منحصر به فرد واژه دست یابد.

۵. قول در قرآن

قرآن کریم، راه حل‌ها و راه کارهایی برای مسائل اجتماعی و مشکلات جوامع بشری دارد. طلب کردن پاسخ برای این مسائل از قرآن، به صورت موضوعی و به مدد آیات را می‌توان «استنتاج قرآن» نامید: «ذَٰلِكَ الْقُرْآنُ، فَاسْتَنْطِقُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۶۱)؛ قرآن مجید جامع‌ترین و کامل‌ترین معارف و حیانی را در خود جای داده است.

«سخن وسیله انتقال مفاهیم و ارتباط اجتماعی بین افراد و همچنین بهترین ابزار انتقال افکار و حتی تأثیرگذاری است بیان قدرت بر سخن، از اعظم نعمت‌ها والای ربانی است که برای بشر موقف انسانی‌اش را حفظ می‌نماید و به‌سوی هر خیری هدایتش می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۹). منظور از قول، گفتار و در برخی مواقع به رفتار نیز تعبیر می‌شود؛ چراکه رفتار ملازمه گفتار است. از آنجا که خداوند وقوف کامل به مخلوق خود، یعنی جنس بشر دارد، بهتر از خود بشر می‌داند که چه نوع تکلمی و در چه شرایطی می‌تواند به نفع او تمام شود.

با بررسی قول و صفات آن در قرآن به این نکته می‌توان دست‌یافت که در

تعاملات اجتماعی و در موقعیت‌های مختلف و با افراد متفاوت چگونه باید برخورد کرد که بتوان تأثیرگذاری بیشتری داشت به‌عنوان نمونه خداوند در خصوص برخورد با فقرا و یتیمان توصیه به برخورد با قول معروف دارد و انسان در برخورد با پدر و مادر به قول کریم توصیه شده است در برخورد با افراد عصیانگر و طاعی که می‌توان یکی از مصداق‌های قرآنی آن‌ها را فرعون در نظر گرفت خداوند دستور به قول لَئِنْ داده است. چه ویژگی در این اقوال وجود دارد که خداوند در برخورد با افراد مختلف جامعه به این نوع کلام دستور داده است؟ در این جستار به دنبال پاسخ به این سؤال به روش معناشناسی هستیم.

۶. معنای قول

ابتدا با نگاه جزئی‌نگر به واژه «قول» تبارشناسی قول یعنی اشتقاق واژه و حس فرا متنی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس روابط بینامتنی شامل جانشین، همنشین و سیاق آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

واژه قول مصدر ثلاثی مجرد از «قال، یقول، قولا» است. برای قول معنای متفاوتی در نظر گرفته شده است: «کلام یا هر لفظی که زبان آن را افشا می‌کند، تمام باشد یا ناقص معنی شده است» (فیروزآبادی ۱۴۲۰ ق، ۳: ۶۰۴). راغب معنای قول و قیل را یکی می‌داند و آن را حروفی می‌داند که به‌وسیله زبان ظاهر می‌شود مفرد باشد یا جمع به چیزی هم که در نفس آدمی قبل از بیان کردن با لفظ متصور می‌شود نیز قول می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸۸). زمخشری قول را به معنای عقاید و آراء افراد هم معنی کرده است (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۲۸). قول ابراز مقصود است به هر طریقی که باشد نه اختصاص به انسان دارد و نه فقط با زبان و گوش گفته و شنیده می‌شود بلکه متناسب با دو طرف تفهیم و تفاهم است که ممکن است گوینده خدا، ملائکه، انسان و موجودات طبیعی باشند. با گفتار، کردار، رفتار یا با ایجاد امر تکوینی تحقق یابد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۹: ۳۷۶) قول بر دلالت بر چیزی هم به کار رفته است (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹: ۱۱۳). ابن منظور قول را این‌گونه تعریف

می‌کند «قول» کلام با ترتیب است و نزد محقق هر کلامی که زبان بدان گویا شود. جمع قول اقوال است و اقاویل جمع الجمع آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۵۷۳: ۱۱). قول به معنای توجه کامل به چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۶۸۸). علمای منطق «قول را به معنای حد یک چیز هم به کار برده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۸۹). استعمال قول به عنوان اشاره «قال برجله» یا «قال براسه». علاوه بر تکلم برای قال بیان و نیز به معنی «ضرب و استراح و غلب» به کار می‌رود (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۴۵۸). گاهی قال به معنای گمان و خیال و ظن به کار می‌رود همچنین برای توجیه و آماده کردن افعال از این واژه استفاده می‌شود: «قَالَ فَاکْلَ وَقَالَ فَضَرْبَ» (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۷۹).

بنا بر نکات مطرح شده قول صرفاً بیان کلمات یا گفتگو نیست بلکه فعل انسان، ظن، اشاره ابراز مقصود به هر شیوه‌ای، عقیده فرد هم جزء قول فرد محسوب می‌گردد و تمام تبعاتی که برای گفتار انسان وجود دارد شامل این افعال هم خواهد بود.

۷. روابط بینامتنی

روابط بینامتنی ارتباط واژه با جانشین‌ها و همنشین‌ها و سیاق آن است. در این مرحله، گزینش الفاظ و انتخاب آن‌ها از محور جانشینی، بر اساس مشابهت و مجاورت با واژگان هم‌نشین صورت می‌پذیرد؛ زیرا واژگان هنگام همنشینی با واحدهای مختلف، معانی متفاوتی القا می‌کنند و هر واژه، همواره می‌تواند هرآن چه را که به گونه‌ای با آن مرتبط است، به ذهن متبادر کند (یاکوبسن،^۱ ۱۳۸۰: ۱۲۳).

الف) همنشینی‌های «قول»

۱. همنشینی «قول» با «حق»: در شش آیه از آیات قرآن واژه قول با حق همنشین شده است:

«لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (یس: ۷). لامی که بر سر جمله اول است لام قسم است و نشان دهنده حتمی بودن عذاب است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۹۱).

«أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ» (احقاف: ۱۸).

«وَقَيْضَنَا لَهُمْ فُرْنَاءَ فَرَيْنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ» (فصلت: ۲۵).

«وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (سجده: ۱۳).

«قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ» (قصص: ۶۳).

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا هَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶).

با دقت در این آیات درمی یابیم مراد از «قول» وعده الهی است همنشینی آن با فعل ماضی «حق» و حرف اضافه «علی» نشان دهنده قطعیت وقوع است؛ یعنی کلمه عذاب برای ایشان واجب شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۵۸۴).

۲. همنشینی «قول» با «سبقت»: در دو آیه قول و سبقت و مشتقات آن همراه گردیده است.

«فَاسْأَلْكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۲۷). مراد از «مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ» قطعی شدن عذاب برای همسر و پسر نوح (ع) است که قضای حتمی درباره اش جریان یافت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۳۹).

«حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود: ۴۰)؛ «إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ»؛ یعنی مگر آن افرادی که اهل تو هستند ولیکن فرمان و عهد ما در سابق بر هلاکت آنان گذشته است و در این آیات «قول» به معنای وعده هلاکت بوده

که قطعیت دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۳۴۰).

۳. همنشینی «قول» با «تقوی»

«وَلْيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۹). گفتار با تقوا همنشین گردیده است که یعنی گفتار انسان ملازم تقوای اوست؛ یعنی قول سدید که سخن صواب و مستقیم است با ملازمت تقوی اتفاق می‌افتد.

۴. همنشینی «قول» با «عدل»

«وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى» (انعام: ۱۵۲). در سوره انعام آیه ۱۵۲ قول و عدل همنشین گردیده‌اند؛ یعنی عاطفه قربابت و هر عاطفه دیگری در شما را از عدالت گفتار خارج نکند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۷: ۵۱۸).

۵. همنشینی «قول» با «احسان»

«وَقَضَيْتُكَ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳). در آیه ۲۳ سوره اسراء قول با احسان همنشین گردیده است.

۶. همنشینی «قول» با «اطاعت»

«طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ» (محمد: ۲۱). ایمان طاعت و قول معروفی است که برآن پیمان بستن یعنی طاعت خداوند و قول معروف ملازم هم هستند یعنی اطاعت خداوند و قول معروف برای آنان بهتر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۳۶۰).

ب) جانشینی «قول» و «کلمه»

باید توجه داشت که هر واژه قرآنی کارکردی خاص دارد و کاربرد هر واژه، درنهایت دقت صورت گرفته است؛ ازاین‌رو ممکن است دو واژه معنای نزدیک به هم داشته باشند؛ ولی به کار گرفتن یکی از آنها به جای دیگری، تعبیر قرآنی مدنظر را به‌طور دقیق بیان نمی‌کند و با گفته خداوند تفاوت خواهد داشت. در بررسی واژه «قول» در قرآن درمی‌یابیم که شش واژه «کلمه، حدیث، محاوره،

نجوا، جدال و نداء» می‌توانند هم معنای واژه «قول» باشند در بین آن‌ها واژه «کلمه» ۲۸ بار در قالب اسمی و به صورت «کلمه» و در ۱۸ سوره و ۲۸ آیه به صورت معرفه و نکره به کار رفته است (عبد الباقی، ۱۴۰۸ ق: ۷۸۷). با بررسی همنشینی «کلمه» با «سبقت» و مقایسه آن با آیات مربوط به همنشینی «قول» با «سبقت» مانند آیات ۱۲۹ طه «وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى» و آیه ۱۹ سوره مبارکه یونس «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» و آیاتی دیگر می‌توان دریافت «قول» و «کلمه» مترادف بوده و می‌توانند جانشین هم باشند.

۸. ترکیبات وصفی قول در قرآن

ترکیبات وصفی قول شامل صفات معروف، سدید، بلیغ، کریم، لَین و ... در آیات مختلف قرآن آمده است که هر کدام از آن‌ها در محاوره و ارتباطات اجتماعی جایگاه مخصوص خود را دارند و جهت اثرگذاری بیشتر در اجتماع بایست به نوع به کارگیری آن‌ها در قرآن توجه کرد و آن‌ها را الگوی برخورد خود در برخوردهای اجتماعی مدنظر قرار داد.

الف) کاربرد «قول لَین» در برخورد با افراد سرکش

«لَین از لَین (ضد خشونت) مشتق شده است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۳: ۳۹۴). «قول لَین» سخنی خواهد بود که نرم و خالی از خشونت باشد. در لغت گفته شده است: «اللین ضد الخشون»؛ لَینت ضد خشونت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۷۵۲). کلام لَین همراه با نوعی نرمی و ملایمت است. قول لَین در محور همنشینی: در بررسی معناساختی قول لَین در محور همنشینی در آیه ۴۴ سوره طه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» می‌یابیم که لَین با دو کلمه «ذکر» و «خشیت» همشین گردیده است فراهیدی «ذکر» را «جاری شدن چیزی به زبان یادآوری چیزی، شرافت و خوش‌نامی، کتابی که تفصیل دین در آن آمده نماز، دعا و ثنا را می‌آورد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۶۲۵). در آیات

قرآن، ذکر به معنای حفظ در مقابل نسیان و غفلت به کاررفته است. علامه طباطبایی تذکر در آیه ۴۴ سورة طه را به معنای یادآوری و قبول ایمان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۱۳). «کلمه خشیت از ریشه «خشی» به معنای ترسی است که بزرگداشتی را به همراه آورد؛ یعنی در نظر انسان، امری عظیم و خطری بزرگ جلوه کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۸۳).

سخن لَین و نرم عملی است که نتیجه آن خشیت است و خشیت مقدمه قبول کلام است که پس از آن ایمان و هدایت حاصل می‌شود؛ یعنی اولاً امید به هدایت افراد طاغی هم وجود دارد چون در آیه واژه لعل مطرح شده و «لعل» زمانی به کار می‌رود که در انجام فعل مورد نظر امیدی وجود داشته باشد و ثانیاً هدایت زمانی ممکن خواهد بود که با سخن نرم بیان شود.

قول لَین با استدلال قوی روشی عملی است که نتیجه آن ایجاد خشیت است و همان گونه که علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خشیت مقدمه قبول رسالت، ایمان و هدایت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۱۳).

قول لَین در محور جانشینی: در محور جانشینی قول سدید به عنوان جانشین قول لَین در نظر گرفته شد و به گفته طبری «قول سدید» «عدل و صواب در سخن» تعریف شد (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۴: ۱۸۴) و در تفسیر نمونه قول سدید به عنوان «زبان ملایم و عباراتی سرشار از عواطف انسانی و حق و درست» معرفی شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۲۸۷). علامه طباطبایی نیز قول سدید را سخنی می‌داند که «هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد و هم دارای ثمره مشروع باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۳۴۷)؛ پس در نتیجه در قول لَین و نرم، عدالت، صراحت و قاطعیت وجود داشته و مطابق واقع بوده و سرشار از عواطف انسانی است تا هم نشانه سستی و ضعف متکلم نباشد و هم در آن امید باشد که مؤثر واقع شود.

نقش واژه لَین در تعاملات اجتماعی: واژه لَین و مشتقات آن، پنج بار در قرآن به کاررفته است (حشر: ۵، آل عمران: ۱۵۹، زمر: ۲۳، سباء: ۱۰، طه: ۴۴) که قول لَین یا نرم خصوصیات خاصی دارد که در اکثر مواقع، در برخوردهای

اجتماعی واکنش مثبت به همراه دارد و به نوعی، سبب بیداری دل آدمی می شود. دستور قرآن در کنش متقابل اجتماعی با اطرافیان، برخورد ملایم و توأم با مهر و عطف و انسانیت است؛ گویی به غیر از این نوع برخورد راهی برای هدایت و جذب افراد جامعه وجود ندارد. آنجا که خداوند به پیامبرش در دعوت فرعون به خیر و خوبی می فرماید: «فَقُولْ لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴) هدف از قول لَیِّن «جذب مخاطب، تذکر شدن، هدایت یا حداقل آگاهی از عواقب شوم کار بد و انحرافات می داند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۲۱۲). اسلام به انتخاب واژه های مناسب، بیان سنجیده و نحوه طرح ارائه مطلب توجه دارد. اهمیت انعکاس سخن به میزان خود سخن یا گاهی بیشتر از آن است. علامه طباطبایی معتقد است که «قول مؤمن نباید موجب افساد شود» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۶: ۵۲۳)؛ در نتیجه، باید مراقب بود که از سخن درشت یا سخنی که جوان را نه تنها از انحراف بر نمی گرداند بلکه به سمت فساد می کشاند، اجتناب نمود.

باتوجه به آیات قرآن می توان چنین نتیجه گرفت که رمز پیروزی پیامبران الهی در تبلیغ دین، نرم خویی و نرمی کلام است و این از رحمت الهی به پیامبران بوده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم خو شدی و اگر سخت دل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می شدند. خداوند نرمش و محبت بی نظیر رسول خدا را عامل جذب مردم معرفی می کند به ویژه آنکه این آیه در مورد مسلمانانی نازل شده که در جنگ احد، فرار را بر قرار ترجیح داده بودند. «مهرورزی و مهربانی در احساس محبت و رافت قلبی نسبت به ممنوع است که نتیجه آن غمخوارگی نسبت به دیگر انسان ها و داشتن دغدغه در کاهش دادن آلام و رنج آنهاست» (ایمانی خوشخو، ۱۴۰۰: ۱۳۸). «امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي أَمْرِهِ نَالَ مَا يَرِيدُ مِنَ النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۱۲۰)؛ هرکس در کار خویش، نرم و ملایم باشد، به هر چه از مردم بخواهد می رسد؛ زیرا «ملایمت او با مردم باعث می شود دل ها به سویش متمایل گردد، دوستی

میان او و دیگران برقرار شود و در نتیجه، راه رسیدن به مقصود حاصل گردد» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۸: ۳۳۰). در مقابل، تندخویی و بدزبانی موجب گریز مردم از انسان می‌شود. نرمی و ملایمت در گفتار و پرهیز از تندى و خشونت در کلام، گاهی مهم‌تر از محتوای سخن است: «وقتی سخن گفتن با فرعون طغیانگر باید به نرمی باشد، پیداست که با دیگر مردم به نحو اولی باید این گونه سخن گفت» (اله‌باشتی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

«خویشتن‌داری از تندى و خشونت، از واجب‌ترین آداب دعوت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۱۳). از آیه شریفه به روشنی معلوم می‌شود که یکی از موارد استفاده از قول لین، هنگام برخورد با مردم طاغی و یاغی است که شاید با گفتار لین از طغیان آن‌ها کاسته شود و به راه حق و حقیقت بازگردند که اگر از ابتدای امر با خشونت با این گونه افراد برخورد شود، به طغیان آن‌ها افزوده می‌گردد و نتیجه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر حاصل نمی‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۲، ۴: ۷۶۶).

منظور از قول لین و نرمی گفتار حذف آرمان‌ها و عقاید نیست بلکه شیوه بیان و رویارویی با انسان طغیانگر است؛ به‌طوری که مانع از خدشه‌دار شدن طرف مقابل و مانع از عکس‌العمل ناپسند باشد؛ مانند آب آرامی که راه خود را باز می‌کند؛ پس برخورد مناسب و ملایم توأم با مهر و محبت اولین نیاز مواجهه با افراد اعم از سرکش و غیر سرکش است. چنان که در نظریه‌های روان‌شناسی یادگیری به‌ویژه شرطی‌سازی عامل، به‌عنوان روش‌های تغییر و اصلاح رفتار مطرح هستند؛ به‌عنوان مثال «برحسب نظریه اسکینر^۱ برای تغییر دادن رفتار از نامطلوب به مطلوب، از نابهنجار به هنجار یا نیرومندسازی رفتار مطلوب، تقویت نقش کلیدی دارد» (بخشی جغناپ، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

همچنین سخن لین با گفتن کلام در موضع ضعف و سستی متفاوت است؛ یعنی ترس از هرگونه افراد طاغی و عاصی، باعث نشود که در ابلاغ پیام و بیان کلام حق، سستی شود. سخن آرام و نرم و صمیمانه شروع تربیت و ارشاد است که در

مورد سرکش‌ترین افراد هم مانند فرعون و ابی‌لهب و هر شخص و گروه و حتی امت سرکشی نیز مصداق پیدا می‌کند. چه فرعون باشد چه ابی‌لهب، چه قبیله قریش باشد چه اهل کتاب، باید با سخن نرم و لَین صحبت کرد و هیچ‌گاه نباید از هدایت افراد حتی شخصیت‌های مستکبر هم ناامید بود و اگر امیدی در هدایت این افراد وجود دارد با نرمی است جز اینکه به خوشتن ستم کنند.

ب) نقش قول بلیغ در تعاملات اجتماعی

بلیغ بر وزن فعلیل از ریشه فعلی «بَلَّغَ، يَبْلُغُ، بُلُوغًا وَبَلَاغًا» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۸: ۴۱۹). واژه بلیغ از ریشه بلغ بر وزن فعلیل است حسن الکلام فصیحه جمع بلیغ (بلغاء) به معنی فصیح و سخنور است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۸: ۴۲۰). بلیغ به‌عنوان صفت برای قول فقط در یک جای قرآن در سوره نساء آیه ۶۳ و آن هم در مقام موعظه آمده است؛ یعنی در جایگاه تبیین و موعظه سخن باید بلیغ باشد. در آیه مربوطه پس از آنکه به پیامبر فرمود که از منافقان اعراض کن، فرمود آن‌ها را با کلام بلیغ موعظه کن: «وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء: ۶۳) به‌وضوح درمی‌یابیم که بلاغت در سخن تأثیرش بر نفس بیشتر است به‌طوری که مساوی ابزار و آلات جنگی قرار می‌گیرد و حتی نزد انسان‌های مستعد و جان‌های حساس تأثیرگذارتر است. سخن بلیغ کدام است؟ «بلاغت» در لغت به معنای رسیدن و به پایان آمدن است؛ و «ابلاغ» یعنی رساندن و از آن‌جهت به آن بلاغت گفته‌اند که معنا را به قلب شنونده می‌رساند. قرشی سخن بلیغ را سخنی می‌داند که حجت را بر مخاطب تمام کند (قرشی، ۱۳۷۱، ۲: ۴۸۸). سخن بلیغ دارای دو ویژگی است: ۱. اندرزگونه و همراه با موعظه، ۲. دارای تأثیر در عمق وجود انسان تا حجت بر افراد تمام شود؛ به همین دلیل خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد قول و عمل بلیغانه داشته باشد (طوسی، بی‌تا، ۳: ۲۴۲). از آنجایی که انسان‌ها بیشترین راه ارتباطشان با یکدیگر از طریق گفت و گو است، خداوند نیز بر شیوة سخن گفتن به نحو درست و پسندیده، سفارش زیادی کرده است پس باید گفت که افراد در برخورد با یکدیگر باید بلیغانه

سخن گویند؛ یعنی قولی که در نهایت گفتار محکم و مستدل باشد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۶: ۴۹) به عبارت دیگر حجت را بر آن‌ها تمام کند که راه عذری بر احدی از آن‌ها باقی نماند (طیب، ۱۳۷۸، ۴: ۱۲۲).

کلام بلیغ یعنی به مقتضای حال و مناسب مقام به گونه‌ای صحبت شود که در دل و جان آن‌ها نفوذ کند. در آیه ۶۳ سوره نساء «قول بلیغ» با «وَعِظُهُمْ» همنشین گردیده است از این موضوع استفاده می‌شود که جای «قول بلیغ» به هنگام وعظ و نصیحت است. واعظ آن‌چنان باید بگوید که مستمع به زشتی کردارش و عقوبتی که از پی دارد آگاه شود و به نیکی عملش و اجری که به دنبال دارد واقف شود (انصاریان، ۱۳۸۸، ۱۰: ۲۲).

امید به بیگانگان و مراجعه به طاغوت، خصلت و روحیه منافقان است. سخن بلیغ در اینجا، جانشین ابزار منع شده چون سخن متوجه منافقان است. در مقام موعظه باید به صراحت به منافقان و عواقب کار و سرنوشتشان هشدار داد و قول بلیغ در این آیه می‌تواند به معنای صراحت در بیان باشد. با توجه به سیاق آیات مربوطه وظیفه امام یک جامعه هدایت همه افراد جامعه است حتی منافقان هرچند منافقان تسلیم قانون خدا و پیامبر نیستند؛ ولی باید آن‌ها را دعوت کرد: «تَعَالَوْا». دعوت برای بالا آمدن همچنین آنچه پرده از کفر منافقان برمی‌دارد. مخالفتشان با رهبری الهی است و این هدایت و دعوت از طریق قول بلیغ ممکن است.

ج) نقش قول معروف در تعاملات اجتماعی و خانوادگی

به کارگیری زبان از مهارت‌های بسیار مهم ارتباطی و اجتماعی است که به بهبود روابط کمک می‌کند و این موضوع در مسائل خانوادگی بسیار پراهمیت‌تر است. توصیه‌های قرآنی استفاده از «قول معروف» در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی است. معروف به معنای شناخته‌شده و در مقابل منکر است و مقصود از آن، کار نیک مطابق فطرت است (قرشی، ۱۳۷۱، ۴: ۵۶۰). معروف در لغت به معنای آن چیزی است که شناخته‌شده نزد عقل و فطرت مردم است. معروف

هر فعلی است که خوبی آن به وسیله عقل یا شرع شناخته شود و ضد منکر است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ۱: ۵۶۱). معروف اسم جامعی است برای هر آنچه از اطاعت خداوند و نزدیکی به او و نیکی و احسان به مردم شناخته شده است و هرآن چه شرع از خوبی‌ها و زشتی‌ها توصیه می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۹۳).

ترکیب دو لفظ «قول» و «معروف» به صورت‌های گوناگون، شش بار در قرآن به کار رفته است: در آیات سوره بقره ۲۳۵ و ۲۶۳، نساء آیات ۵ و ۸، محمد (ص) آیه ۲۱ و احزاب آیه ۳۲. مقصود از قول معروف آن سخن و عملی است که عقل و شرع آن را پسندد و انسان بتواند آن را آشکارا انجام دهد. در تفسیر نمونه در توضیح معروف در آیه ۸ سوره نساء مقصود از معروف را سخن دلنشین و شایسته‌ای تعریف می‌کند که هم کمبود روانی آن‌ها را برطرف می‌سازد و هم به رشد عقلی آن‌ها کمک می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۲: ۲۷۶).

همنشینی خضوع و قول معروف در آیه ۳۲ احزاب به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک نکنند تا مردان بیمار دل را دچار ریه و خیالات شیطانی کنند و شهوت آن‌ها را برانگیزانند و منظور از بیماری دل نداشتن نیروی ایمان می‌داند آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می‌دارد و قولاً معروف یعنی سخن معمولی مستقیمی که دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۳۰۹).

طبرسی در رابطه با قول معروف می‌گوید: «نظر مفسرین در خصوص «قول معروف» را می‌توان در دو دسته، دسته‌بندی کرد: دسته اول مقصود از «قول معروف» همان گفتار و سخنی نیک، شایسته و حقی است که شناخته شده برای مردم است. دسته دوم مقصود از «قول معروف» را علاوه بر سخن نیکو به رفتار و نوع برخورد و معاشرت نیز اطلاق کرده‌اند» (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۳: ۱۴۲). با بررسی موارد استعمال قول معروف در قرآن این نکته آشکار می‌شود که بیشترین کاربرد قول معروف در قرآن در مورد مسائل خانوادگی و اجتماعی است که البته این نوع کاربرد قول معروف پیامش آن است که خداوند می‌خواهد

به ما بفهماند که قول معروف باید از محیط خانواده آغاز شود، چون خانواده، اجتماع را می‌سازد و اگر قول معروف در خانواده رواج پیدا کرد، اجتماع هم به سمت معروف حرکت خواهد نمود و پایه و اساس اجتماع هم بر همین اساس شکل خواهد گرفت که نتیجه آن اصلاح محیط اجتماعی است؛ بنابراین نمی‌توان گفت که قول معروف منحصر به خانواده است بلکه صرفاً شروع آن با خانواده است و باید از محیط خانواده به جاهای دیگر نیز گسترش داده شود. «قول معروف» یعنی کلامی نیکو و زیبا که هیچ نوع زشتی همراه ندارد و باید با آن، سائل و فقیر را رد کرد. «بعضی دیگر معنای آن را (وعده نیکو) دانسته‌اند؛ و ضحاک می‌گوید «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ» اصلاح ذات البین است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۱۴۲).

د) نقش «قول کریم» در ارتباط با والدین

«کریم» بر وزن فعیل از ماده «کَرُمٌ، یَکْرِمُ، کِرَاماً» است. جمع کریم کُرَماء و کرام و مؤنث آن کریمه است. کریم اسم جامعی است برای هر آنچه ستایش می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ۱۲: ۵۱۰). کریم در لغت به معنای بخشنده و بزرگوار و محترم است صفت کریم یکی از صفات خداوند است و به معنای شراف و بزرگواری و گذشت از گناهان بندگان است صفت «کریم» - بر وزن فعیل، به معنای فاعل - از ریشه «کَرَمٌ» به معنای «بخشنده»، «جوانمرد»، «سخاوتمند» و «بزرگوار» است (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۵۳ - ۳۵۷).

عبارت «قول کریم» فقط یک‌بار در قرآن در آیه ۲۳ سوره اسراء و آن‌هم در رابطه با صحبت کردن با پدر و مادر آمده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَهْزُمُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا». از نظر شیخ طوسی «قول کریم» سخنی است شریف که با استفاده از آن پدر و مادر مورد اکرام واقع می‌شوند (طوسی، بی‌تا، ۶: ۱۰۴). «قول کریم» سخن شیرین و لطیف همراه با محبت و عاطفه و احترام و نگاه مهربان و لبخند و بزرگواری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۷۵).

بعد از اعتقاد به وحدانیت خداوند مهم‌ترین واجب الهی، نیکی کردن به پدر و مادر است. مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید خدا واجب‌ترین واجبات است هم چنان که مسئله عقوق بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و به همین جهت این مسئله را بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده و این نکته را نه تنها در این آیات متذکر شده بلکه در موارد متعددی از کلام خود همین ترتیب را به کار بسته «قول کریم» رعایت ادب در معاشرت و گفتگو و اکرام و احترام است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰۸: ۱۳)

در آیه ۲۳ سوره اسراء قول کریم با احسان به والدین هم‌نشین گردیده است. قول به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی و تشکیل دهنده شخصیت فرد در اجتماع است که در امر احسان به والدین مأموریت پیدا کرده است. کریم اگر نعمتی می‌دهد و عطایی می‌کند هیچ قسم سودی را برای خود منظور ندارد و علاوه بر این در احسانی که می‌کند بدی‌ها و نادانی‌ها و نافرمانی‌های مریوب را در نظر نمی‌گیرد، سخن کریمانه با والدین هم بایست این ویژگی‌ها را داشته باشد. حساسیت و زودرنجی یکی از مسائل انسان‌ها در بزرگ‌سالی است. کلمه «اف» مانند کلمه «آخ» در فارسی، انزجار را می‌رساند و کلمه «نهر» به معنای رنجاندن است که با داد زدن یا با درشت حرف زدن صورت می‌پذیرد. با «قول کریم» صحبت کردن به این معنی است که کمترین کلمه که موجب رنجش پدر و مادر می‌شود، نباید گفته شود به خصوص در زمان بزرگ‌سالی آن‌ها که پدر و مادر زودرنج‌تر می‌شوند و این یکی از نیازهای بسیار مهم جامعه امروزی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰۷: ۱۳).

۵) نقش «قول سدید» در تعاملات اجتماعی

سدید یعنی استوار و راست هر چیز دارای استقامت و پایداری، سدید صواب و درستی است (جواهری، ۱۹۸۷، ۲: ۴۸۵)، راغب اصفهانی واژه «س د» را به مانع تشبیه کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۳). واژه سدید در ترکیب با قول دو

بار در قرآن به کاررفته است. در آیه ۷۰ سوره احزاب و آیه ۹ سوره نساء خداوند متعال «قول سدید» را همنشین تقوای الهی معرفی نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب: ۷۰)؛ همچنین «وَلْيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۹).

این همنشینی می‌تواند به این معنا باشد که گفتار انسان تأثیر بسزایی در رسیدن به تقوا و سعادت دارد به همین دلیل در ردیف تقوای الهی آمده است. قول سدید، سخنی است که برای خدا بر زبان جاری شود؛ یعنی جدای از اینکه باید به حق بیان شود و صحیح باشد، باید با انگیزه صحیح هم باشد و برای خدا باشد و به امر خدا باشد. مثلاً اگر کسی غیبت کند، سخنش قول سدید نیست هرچند راست بگوید. قول سدید، عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد یا اگر فایده دارد، فایده‌اش چون سخن چینی و امثال آن، غیر مشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است که به‌راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه افساد نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۳۴۷).

بعد از آیه ۷۰، در آیه ۷۱ سوره احزاب قول سدید با اصلاح اعمال و مغفرت ذنوب همنشین گردیده است که می‌تواند به این معنی باشد که «اصلاح اعمال» و «مغفرت ذنوب» نتیجه قول سدید است. «قول سدید» شامل افعال و حرکات و گفتار انسان است و وقتی خداوند دستور می‌دهد در مقابل یتیمان «قول سدید» داشته باشید به این معناست که در مقابل یتیمان نه تنها در گفتار بلکه در اعمال و رفتار نیز با تقوای الهی و خشیت برخورد گردد که همنشینی «قول سدید» با خشیت و تقوا شاید به این معنی است که تا تقوا و خشیت در فرد نباشد «قول سدید» اتفاق نخواهد افتاد.

و) نقش «قول میسور» در تعاملات اجتماعی

«میسور» اسم مفعول از ماده یسر به معنای راحت و آسانی است و مخالف «عسر» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۸۹۲). این کلمه فقط یک‌بار در قرآن

آمده است: «وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا» (اسراء: ۲۸). «میسور از ماده «یسر» به معنی راحت و آسان است و در اینجا مفهوم وسیعی دارد که هرگونه سخن نیک و برخورد توأم با احترام و محبت را شامل می‌شود. نحوه پاسخ و اعراض از اجابت درخواست باید با «قول میسور» باشد. در «قول میسور» هم محبت وجود دارد و هم امید چون می‌فرماید: «ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا»؛ یعنی اینکه تو از ایشان اعراض می‌کنی نه از این باب است که مال داری و نمی‌خواهی بدهی و نه از این باب که نداری و از به دست آمدن آن هم مأیوسی بلکه از این باب است که الآن نداری؛ ولی امیدوار هستی که به دست بیاید و به ایشان بدهی و در طلب رحمت پروردگار خود هستی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۸۹). برخی آن را به وعده دادن به آینده معنی کرده‌اند: در روایات می‌خوانیم که بعد از نزول این آیه، هنگامی که کسی چیزی از پیامبر (ص) می‌خواست و حضرت چیزی نداشت که به او بدهد می‌فرمود: «يَرْزُقْنَا اللَّهُ وَايَاكُم مِنْ فَضْلِهِ»؛ امیدوارم خداوند ما و تو را از فضلش روزی دهد. در سنت‌های قدیم ما به هنگام برخورد با سائل در صورتی که چیزی موجود نبود با سخن لطیف و پاکیزه، برخورد توأم با محبت سائل را رد می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۸۹).

همنشینی «قول میسور» با «ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ» نشان می‌دهد که نتیجه قول میسور رحمت الهی است؛ پس برخورد محترمانه، نرم و با محبت و امید دادن به آینده قول میسور است و نتیجه آن رحمت الهی.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مفهوم «قول» در قرآن کریم و تحلیل کاربردهای آن در ارتباطات انسانی انجام شد. تحلیل معناشناختی و نشانه‌شناختی واژه «قول» در قرآن کریم نشان می‌دهد که این مفهوم دارای گستره معنایی وسیع‌تری نسبت به کاربرد متعارف آن است. این تحلیل بر اساس سه رویکرد انجام شده است: (۱) بررسی کاربردهای مختلف واژه در آیات قرآن، (۲) تحلیل روابط همنشینی و

جانشینی، و ۳) مطالعه بافت‌های معنایی مرتبط. نتایج نشان می‌دهد که «قول» نه تنها شامل گفتار انسان، بلکه هر نوع ابراز مقصود، اعم از فعل، ظن، اشاره و حتی عقیده را در برمی‌گیرد. این گستردگی معنایی با استناد به آیاتی چون «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق: ۱۸) تأیید می‌شود. علاوه بر این، تحلیل روابط بینامتنی و همنشینی واژه «قول» با مفاهیمی چون «حق» و «تقوا» نشان می‌دهد که این واژه در برخی بافت‌ها به معنای وعده الهی یا حتی وعده هلاکت به کار رفته است. این یافته‌ها حاکی از پیچیدگی و چندبعدی بودن مفهوم «قول» در قرآن است.

بررسی انواع «قول» در قرآن (معروف، لَئِنْ، بَلِغْ، کریم، سدید، میسور) یک چارچوب جامع برای ارتباطات انسانی ارائه می‌دهد. این چارچوب بر اساس موقعیت‌های مختلف اجتماعی تنظیم شده است. به عنوان مثال، «قول معروف» برای ارتباطات عمومی و خانوادگی توصیه شده که نشان می‌دهد اصلاح جامعه از خانواده آغاز می‌شود.

«قول لَئِنْ» برای مواجهه با افراد سرکش توصیه شده است. این روش، ترکیبی هوشمندانه از نرمی در گفتار و استحکام در محتوا را پیشنهاد می‌کند، چنانکه خداوند به موسی و هارون در مواجهه با فرعون می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴).

در ارتباط با والدین، قرآن به «قول کریم» توصیه می‌کند: «وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳). این نشان می‌دهد که احترام به والدین باید در گفتار و رفتار تجلی یابد.

تحلیل ارتباطات بین این انواع قول نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری، همه آن‌ها بر پایه اصول مشترکی چون احترام، ملایمت و تأثیرگذاری استوار هستند. این امر حاکی از رویکرد سیستمی قرآن به ارتباطات انسانی است که هدف آن ایجاد یک جامعه منسجم و اخلاق‌مدار است.

کاربرد این یافته‌ها در جامعه معاصر می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌های ارتباطی باشد. به عنوان مثال، استفاده از قول لَئِنْ در مذاکرات سیاسی یا قول

معروف در فضای مجازی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و بهبود گفتمان عمومی کمک کند.

محدودیت اصلی این پژوهش، تمرکز بر متن قرآن بدون بررسی گسترده تفاسیر و روایات بود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، این موضوع با در نظر گرفتن منابع حدیثی و تفسیری گسترده‌تر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، انجام مطالعات تجربی برای سنجش اثربخشی این اصول در بهبود ارتباطات اجتماعی معاصر می‌تواند مفید باشد.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن با ارائه الگوهای متنوع گفتاری، راهکاری جامع و منعطف برای بهبود ارتباطات انسانی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. این الگوها نه تنها در زمان نزول قرآن بلکه در عصر حاضر نیز می‌توانند راهگشای بسیاری از چالش‌های ارتباطی باشند و به ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌مدار و منسجم کمک کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- * قرآن مجید. ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- ابراهیم زاده، ع. (۱۳۹۲). فلسفه تربیت، تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۶۹). *مشابه القرآن و مختلفه*. قم: انتشارات بیدار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الصادر.
- احمدی، احمد. (۱۳۷۸). *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*. تهران: رودکی.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۷). *درآمدی بر تفسیر قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۸. *شرح مصباح الشریعه*. قم: چاپ خانه ظهور.
- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۹۳). *خدا و انسان در قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایمانی خوشخو، محمدرسول. (۱۴۰۰). *الگوی راهبردی تعامل پلیس با جامعه: اقتدار همراه با مهرورزی*. فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی. ۱۶ (۴)، صص ۱۵۴-۱۲۹.
- بخشی جغناپ، قدیر. (۱۴۰۰). «الگوی جامعه‌شناختی تحول رفتار کارکنان کلاتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران». فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی. ۱۶ (۳)، صص ۱۷۲-۱۳۹.
- بستانی، رضا، افرا فؤاد. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. مترجم مهبیار، تهران: انتشارات اسلامی.
- بشکوفه، مینا؛ غلام‌زاده جفره، مریم؛ سودانی، منصور. (۱۴۰۱). *اثربخشی آموزش مدیریت رفتار به مادران بر پرخاشگری و نافرمانی مقابله‌ای فرزندان نوجوان*. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت. ۱۱ (۲)، صص ۴۴-۳۴.
- بیابانگرد، اسماعیل؛ رضاییان، پرتو. (۱۳۸۵). *مذاکره به جای مشاجره در خانواده*. مجله پیوند. شماره ۳۲۷، صص ۱۹-۱۴.
- تجری، علی اصغر؛ رثویان، رضا. (۱۳۹۹). *معناشناسی توصیفی اراده با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی*. فصلنامه ذهن. ۲۱ (۶)، صص ۱۸۷-۲۱۷.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۸۷ م). *الصحاح تاج اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حدادی، الهام؛ و ذوالفقاری، محسن. (۱۳۸۹). *تصویر استعاری کهن‌الگوی خورشید در ناخودآگاه قومی خاقانی و نظامی*. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ۶ (۲۰)، صص ۷۲-۵۴.
- دبس، موریس؛ کاردان، علی محمد. (۱۳۴۱). *مراحل تربیت*. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. شماره دوم. ۱۰ (۳۸)، صص ۱۳۴-۱۳۹.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم. الدارالشامیه.
- ربانی گلیپایگانی، علی. (۱۳۸۳). *هرمنوتیک و منطق فهم دین*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹). *اساس البلاغه*. چاپ اول، بیروت: دار الصادر.
- ساز چینی، مرتضی، همکاران. (۱۳۹۸). *معنا شناسی توصیفی قول سدید در قرآن کریم*. مجله علمی پژوهشی ذهن، (۷۸)، صص ۱۹۵-۲۲۱.
- ساغروانیان، سید جلیل. (۱۳۶۹). *فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی*. مشهد: انتشارات نما.

شاه محمدی، مهدی، مفتاح، محمد هادی، (۱۳۹۸)، «بررسی اصل قرآنی قول حسن از منظر مفسران و تحلیل نقش آن در مدیریت تعارضات اجتماعی»، «مطالعات تفسیری»، شماره ۳۸، صص ۸۸-۶۹.

شریعتمداری، جعفر، (۱۳۷۲)، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، آستان قدس رضوی.

شفیع زاده، مرضیه؛ بهارزاده، پروین؛ و فتاحی زاده، فتحیه، (۱۳۹۳)، معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱(۴۷)، صص ۹۹-۱۳۰.

شمخی، مینا، مرادی کهنکی، فاطمه، فروغی نسب، فاطمه (۱۴۰۱)، وجوه معنایی واژه «قول» در قرآن کریم از دیدگاه مفسران فریقین، دو فصل نامه علمی مطالعات فهم قرآن، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۵-۲۵.

صفوی، کورش، (۱۳۸۷)، فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، تهران، فرهنگ معاصر.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل ابن حسن، (۱۳۶۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی.

طبری، ابوجعفر محمد ابن جریر، (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.

طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: نشر مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۸۶)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه سبطين.

عبد الباقي، محمد فؤاد، (۱۴۰۸ ق)، المعجم الفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دار الحدیث قاهره.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

فغانی، محمد رضا، (۱۳۹۵)، جایگاه قول لَین در امریه معروف و نهی از منکر، فصلنامه سخن جامعه، ۵ (۸)، صص ۸۱-۹۸.

فلاح، محمد جواد؛ و نصیری سوادکوهی، میشره، (۱۳۹۵)، الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف‌های - اخلاقی، (با تأکید بر دوره جوانی)، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۷ (۲۷)، صص ۷۷-۱۰۵.

فیروزآبادی، محمد، (۱۴۲۰ ق)، القاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قاسمی، محمد جمال الدین، (۱۴۱۸ ق)، محاسن التاویل، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس القرآن نشر ایران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کاشانی، فتح الله، (۱۳۳۶)، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: چاپخانه محمد حسین علمی.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مازندرانی، محمد صالح، (۱۳۸۲)، شرح الکافی، تهران: المکتبه الاسلامیه.

مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

اله‌باشتی، علی، (۱۳۸۸)، سخن گفتن در آداب اجتماعی اسلام، الاهیات اجتماعی، شماره دوم، صص ۱۵۷-۱۷۷.

یاکوبسن، رومن، (۱۳۸۰)، قطب‌های استعاره و مجاز، ترجمه کورش صفوی، تهران: حوزه هنری.

REFERENCES

- The Holy Qur'an. Translated by Ayatollah Naser Makarem Shirazi.
- Aarafi, Alireza. (1397). Introduction to the Interpretation of the Qur'an. Qom: Ishraq and Erfan Institute Publications.
- Abdul Baqi, Muhammad Fuad. (1408 AH). Al-Mu'jam al-Mufahras li Alfaz al-Qur'an al-Karim. Dar al-Hadith Cairo.
- Ahmadi, Ahmad. (1378). Psychology of Adolescents and Youth. Tehran: Rudaki.
- Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1409 AH). Kitab al-Ayn. Qom: Hijrat Publishing House.
- Al-Johari, Ismail bin Hamad. (1987). Al-Sihah Taj al-Lughah. Beirut: Dar al-Ilm li al-Malayin.
- Al-Raghib al-Isfahani, Hossein bin Mohammad. (1412 AH). Mufradat Alfaz Al-Qur'an. Beirut: Ar-al-Qalam. Al-Dar al-Shamiyyah.
- Al-Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Ma'rifa.
- Al-Tabarsi, Fadl ibn Hassan. (1360). Translation of Tafsir Majma' al-Bayan. Tehran: Farahani Publications.
- Al-Turaihi, Fakhruddin. (1375). Majma' Al-Bahrayn. Tehran: Mortazavi Publishing House.
- Al-Tusi, Muhammad ibn Hasan. (n.d.). Al-Tibyan fi tafsir Al-Qur'an. Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arabi.
- Ansarian, Hossein, (1388). Explanation of Misbah al-Shari'ah. Qom: Zohoor Publishing House.
- Bakhshi Jaghnab, Ghadir. (1400). "Sociological model of behavior change of police station and its employees of the Special Law Enforcement Command of West Tehran Province. Scientific Quarterly of Law Enforcement Management Research. 16 (3), pp. 172-139.
- Beshkoufeh, Mina; Gholamzadeh Jafreh, Maryam; Sudani, Mansour. (1401). Effectiveness of behavior management training for mothers on aggression and confrontational disobedience of adolescent children. Health Promotion Management Quarterly. 11 (2), pp. 34-44.
- Biyabangard, Ismail; Rezaian. Partow. (1385). Negotiation instead of arguing in the family. Peyvan Magazine. No. 327, pp. 14-19.
- Bostani, Reza, Afram Fouad. (1375). Farhang-e Abjadi. Translated by Mahyar, Tehran: Islamic Publications.
- Debs, Maurice; Kardan, Ali Mohammad. (1341). Stages of Education. Journal of the Faculty of Literature, University of Tehran. Issue 2. 10 (38), pp. 134-139.
- Ebrahimzadeh, A. (1392). Philosophy of Education, Tehran: Payam Noor University Press.
- El-Badashti, Ali. (1388). Speaking in Islamic Social Manners. Social Theology. Issue 2, pp. 157-177.
- Faghani, Muhammad Reza. (1395). The Position of Al-Qawl al-Layyin (Soft Word) in Enjoining the Right and Forbidding the Wrong. Sokhan Jame'ah. 5 (8). pp. 81-98.
- Fallah, Muhammad Javad; and Nasiri Sawadkuhi, Mobashereh. (1395). The moral model of the Qur'anin dealing with moral deviations. (With emphasis on the youth period). Journal of Quranic Studies. 7 (27). pp. 77-105.
- Firouzabadi, Mohammad. (1420 AH). Al-Qamous Al-Muhit. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ghasemi, Mohammad Jamaluddin. (1418 AH). Mahasin al-Ta'wil. Vol. 3. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
- Haddadi, Ilham; and Zulfiquari, Mohsen. (1389). The Metaphorical Image of the Model of Sun in the Ethnic Unconscious of Khaqani and Nizami. Mystical and Mythological Literature Quarterly. 6 (20), pp. 54-72.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Sadir.
- Ibn Shahrashoub Mazandarani, Muhammad ibn Ali. (1369). Mutashabbih al-Quran wa Mukhtal-

- ifuh. Qom: Bidar Publications.
- Imani Khoshkhoo, Mohammad Rasoul. (1400). Strategic model of police interaction with the public: authority combined with kindness. *Scientific Quarterly of Law Enforcement Management Research*. 16 (4), pp. 154-129.
- Izutsu, Toshihiko. (1393). *God and Man in the Qur'an*. Tehran: Intishar Corporation.
- Jakobson, Roman. (1380). *The Poles of Metaphor and Simile*. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Howzeh Honari.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1386). *Tafsir Tasnim*. Qom: Israa Publishing House.
- Kashani, Fathullah. (1336). *Tafsir Kabir Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin*. Tehran: Mohammad Hossein Elmi Publishing House.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Naser et al. (1374). *Exemplary Interpretation*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mazandarani, Muhammad Salih. (1382). *Sharh Al-Kafi*. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiyyah.
- Mostafavi, Hassan. (1368). *Investigation of the Words of the Holy Quran*. Beirut: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
- Qaraati, Mohsen. (1388). *Tafsir Nur*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar. (1371). *Qamoos Qur'an*, Iran Publishing House. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Rabbani Golpayegani, Ali. (1383). *Hermeneutics and Logic of Understanding Religion*. Qom: Qom Seminary Management Center.
- Safavi, Kourosh. (1387). *Descriptive dictionary of semantics*. Tehran: Farhang Muaser.
- Saghrvanian, Seyyed Jalil. (1369). *Dictionary of Linguistic Terms*. Mashhad: Nama Publications.
- Saz-Chini, Morteza, et al. (1398). *Descriptive Semantics of Al-Qawl Al-Sadid in the Holy Qur'an*. *Scientific Journal of Mind Research*, (78), pp. 195-221.
- Shafizadeh, Marzieh; Baharzadeh, Parvin; and Fattahzadeh, Fathiye. (1393). *Semantics of Words in the Holy Qur'an with Emphasis on Syntagmatic and Paradigmatic Relations*. *Qur'an and Hadith Research*. 1 (47), pp. 99-130.
- Shah Mohammadi, Mehdi, Mofatteh, Mohammad Hadi, (1398), "Investigating the Quranic Origin of Al-Qawl Al-Hasan from the Perspective of Interpreters and Analyzing Its Role in Managing Social Conflicts", *Interpretive Studies*, No. 38, pp. 88-69.
- Shamkhi, Mina, Moradi-Kohniki, Fatemeh, Foroughi-Nasab, Fatemeh (1401). *Semantic aspects of the word "Qawl" in the Holy Qur'an from the perspective of the Shiit and Sunni Interpreters*. *Two scientific quarterly studies of the understanding of the Quran*, Volume 1. Issue 1. pp. 25-45.
- Shariatmadari, Jafar. (1372). *Explanation and Interpretation of Quranic Words Based on a Model Interpretation*. Astan Quds Razavi.
- Tabatabaei, Mohammad-Hossein. (1374). *Translation of Tafsir al-Mizan*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Association.
- Tajari, Ali Asghar; Raufian, Reza. (1399). *Descriptive semantics of will with emphasis on the syntagmatic and paradigmatic relations*. *Quarterly of Mind*. 21 (6), pp. 187-217.
- Tayyib, Sayyid Abdul Hussein. (1386). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Organization of Al-Sabtayn.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1979). *Asas al-Balagha*. First Edition, Beirut: Dar al-Sadir.

| Extended Abstract |

Semantic Analysis of the Word “Al-Qawl” in the Qur’an and the Role of “Desirable Speech” in Social Communication

Nader Karimi Beiranvand, Shir Mohammad Alipour Abdali, Yadollah Maleki

Objective:

This research aims to study the ways of speaking to different people from the perspective of the Holy Qur’an. In examining social issues in society, the type of conversation people have in different situations is a challenging issue. One of the important topics that receive attention in the world today is the discussion of communication disorders, especially speech disorders in society, which are considered a prelude to later disorders that cannot be treated, especially among adolescents and young people.

This article discusses how to speak with people in different situations to be more effective, what are the topics in the Qur’an regarding speech, and how the types of “Al-Qawl” mentioned in the Qur’an can be used to be more effective in communicating with people in society. This research aims to examine the frequently used word “Al-Qawl” in the Holy Qur’an as a strategy for achieving the correct methods of negotiation and conversation. Given the importance of this issue in improving social relations and reducing anomalies, this study seeks to identify and analyze the types of “speeches” in the Qur’an and their effects on Islamic society. Accordingly, the main issue of this study is to identify and analyze the ways of speaking to different people from the perspective of the Holy Qur’an. These methods include such things as Al-Qawl al-Ma’rouf (good and just word), al-Qawl al-Layyin (gentle word), al-Qawl al-Baligh (eloquent word), al-Qawl al-Karim (noble word), al-Qawl al-Sadid (true word) and al-Qawl al-Maysour (simple word). In particular, this study examines how these methods can affect social relations and reduce anomalies and what solutions exist for their optimal use.

Methodology:

To conduct this research, a descriptive-analytical method with a semantic approach has been used. The statistical population of this study is the Holy Qur’an. In this method, by semantically examining the word “Al-Qawl” as a frequent word and its attributes and using the analysis of syntagmatic and paradigmatic relationships, we sought to find appropriate methods of linguistic communication with different people in society to have a greater impact. First, the text of the Qur’an was examined in full. Then, using content analysis, the types of “Qawl” (speech) and their characteristics were identified. Also, using interpretive and lexical sources, the different meanings of “Al-Qawl” and their applications in the Qur’an were examined. This method allows us to reach a deeper understanding of the ways of speeches in the Qur’an and their effects on Islamic society.

Findings:

The findings of this study show that the word “qawl” in the Qur’an have a wide semantic range that includes not only speech, but also any kind of expression of intention, including action, gesture, and belief. Also, by presenting different types of “qawl” (marouf, layyin, baligh, karim, sadid, and mysour), the Qur’an provides a comprehensive framework for human communication that is organized according to different social situations. In social and family relationships, “Al-Qawl al-Marouf” (respectful) are recommended. For parents, “Al-Qawl al-Karim” (accompanied by affection and a kind and generous look) are recommended. In contrast to orphans, “Al-Qawl al-Sadid” (including speech and gestures accompanied by piety and fear of God) is recommended. “Al-Qawl al-Maysour” (kind words, respectful and loving treatment) is suggested to respond to the request of the questioner.

Conclusion:

Finally, this study shows that identifying the addressee in the verses of the Qur’an plays a vital role in effective communication. The Qur’an specifically recommends a type of speech for each communication situation. These diverse speech patterns mentioned in the Qur’an indicate that the Qur’an pays special attention to the social and personality characteristics of the addressees and, based on this, provides specific instructions for speech and behavior for each situation. As a result, the use of these different speech methods can help solve communication challenges in society, especially in negotiations. This article can be used as a reliable source for researchers and those interested in the topic of speech styles in the Qur’an and help to better understand this topic. Also, the results of this research can help decision makers and social activists to improve social relations and reduce imbalances.